گفت‌وگو با «مارتین مک‌دونا» کارگردان «سه بیلبورد خارج از ابینگ، میزوری» نامزد تندیس اسکار

مادری خشمگین و باهوش که پلیس‌ها را ملامت می‌کند

جوئی یوتیچی
ترجمه: سیدحسین رسولی

امسال فیلم «سه بیلبورد خارج از ابینگ، میزوری» به نویسندگی و کارگردانی «مارتین مک‌دونا»، نمایشنامه‌نویس، فیلمنامه‌نویس و فیلمساز ایرلندی - بریتانیایی، مورد توجه اهالی سینما، منتقدها و مردم قرار گرفته است. مک دونا جایگاه ویژه‌ای هم در بین تئاتردوست‌های ایرانی دارد و هرسال نمایشنامه‌های مختلفی از او منتشر یا اجرا می‌شود. چند سال پیش نیز فیلم «در بروژ» (۲۰۰۸) مک دونا تبدیل به پدیده‌ای در جهان سینمای هنری و مستقل شد. اما امسال این کارگردان ۴۸ ساله توانست در کنار بزرگانی مانند «کریستوفر نولان» و «گیرمو دل تورو» در بین نامزدهای اصلی اسکار قرار بگیرد. فیلم او امسال نامزد بهترین فیلم و کارگردانی اسکار هم هست. به همین مناسبت بخش‌هایی از گفت‌وگوی «جوئی یوتیچی» از «دِدلاین» با «مارتین مک‌دونا» را ترجمه کرده‌ایم.

مارتین مک‌دونا / منبع: ایندی‌وایر

این ایده دیوانه‌کننده فیلم «سه بیلبورد خارج از ابینگ، میزوری» از کجا سرچشمه می‌گیرد؟

دو سال پیش با اتوبوسی از میان ایالت‌های جنوبی آمریکا می‌رفتم. جایی در جاده، یك جفت بیلبورد میان مزرعه‌ای دیدم که خیلی شبیه به بیلبوردهایی است که در داستان فیلم ما می‌بینید. بیلبوردها خروشان، دردناك و تراژیك بودند. آنها پلیس‌ها را مورد خطاب قرار می‌دادند. زمانی بود که می‌خواستم قسمتی از یك داستان قدرتمند زنانه را بنویسم، چونکه نمایشنامه‌هایم پر از چنین صحنه‌هایی بودند؛ ولی، دو فیلم اولم این جوری نبودند. فکر کردم که همین موضوع یك چیز خوب برای نوشتن است. یك نوع آزادی درونش بود تا این چیزهایی را که گفتم در کنار هم بگذارم. تصمیم گرفتم فردی که این کارها را می‌کند یك مادر باشد. مادری خشمگین که باهوش است، مادری که نمی‌گذارد سرش کلاه برود. به‌عنوان فیلمساز، این موضوع همان نقطه انرژی است که شما با آن فیلمنامه‌تان را شروع می‌کنید. قبل از شروع، هیچ پیرنگی نداشتم. فقط این ایده را داشتم که زنی، چیزهایی را به وجود می‌آورد تا پلیس را ملامت کند. هر چیزی که بعد از این در داستان رخ می‌دهد، واکنشی به همان مجازات‌کردن پلیس‌ها توسط زن است. فیلمنامه از نوع «انداموار» است. چیزی بیش از حد بر فیلم تحمیل نشده است.

آیا پیرنگ «سه بیلبورد خارج از ابینگ، میزوری» چیزی کمتر از «هفت روانی» (۲۰۱۲) و «در بروژ» نیست؟

نه. تمایل دارم به وسط ماجرا بپرم و ببینم وقایع به کجا می‌رود. این امر چیزی شبیه نمایشنامه است. ولی احتمالا نمایشنامه‌ها پیرنگ بیشتری نسبت به فیلم‌ها دارند. فیلم «در بروژ» مقداری پیرنگ دارد. احتمالا فیلم «سه بیلبورد خارج از ابینگ، میزوری» از «در بروژ» هم پیرنگ کمتری در این نوع از ساختار دراماتیك دارد. این امر هم به خاطر خصوصیات کاراکترهاست. همچنین به‌خاطر تراژدی است که در پیش داستان وجود دارد. پیرنگ ساده در چنین ساختاری به‌خاطر این است که شما دوست ندارید چیزی از خارج به داستان وارد کنید تا پیرنگ سنگین و سخت شود، مخصوصا در رابطه با گره‌گشایی دراماتیك، یا حتی در رابطه با مضمون محوری. تمام این کارها برای این بود که می‌خواستم ببینم کاراکترها تا کجا می‌روند. حتی همین حالا شما نمی‌توانید بگویید که ساختار فیلم «سه بیلبورد خارج از ابینگ، میزوری» چه بود.

شاید ساختار تك پرده‌ای دارد ولی بعدش شما همین‌طور ادامه می‌دهید و چیزهایی هم ساخته می‌شود. اما فکر می‌کنم همچنان قوس کاراکتر-تحول یا سفر درونی شخصیت در طول داستان- و تغییراتش وجود دارد و به‌هرصورت داستان را رضایت‌بخش می‌کند.

پس فرض می‌کنیم که شما مشترك مدرسه داستان‌گویی «رابرت مك کی» نیستید؟

چرت و پرت است. هیچ چیز باحالی در کار او وجود ندارد. ممکن است که شیوه او... نه اصلا به هیچ صورت به‌درد نمی‌خورد، حتی اگر در اول راه باشید؛ چون تمام کار او فرمول‌سازی که به طرز آشغالی خسته‌کننده است. این روش همان چیزی است که در داستان‌های «مارول» و «دی‌سی»- کمپانی‌هایی که مجموعه کتاب‌های مصور و فیلم‌های پر هزینه ابرقهرمانی تولید می‌کنند- در آخر هفته‌ها می‌بینید. قشنگ می‌دانید که آخر داستان چه می‌شود. روش مك کی همین است. واقعا این روزها چه نوع اثر رایانه‌ای است که ما را به آن مسیر می‌برد؟

آیا در زمان برپا کردن کمپانی خودتان با مشکلی مربوط به رویه قضایی روبه‌رو شدید؟

کار خیلی سختی نبود. ولی فکر می‌کنم با تمام فیلم‌هایی که ساخته‌ام کمپانی‌ای تاسیس نکردیم که بله بله بگوید. بخشی از کار برای من و بخش دیگر برای «گراهام برادبنت» است. وقتی شروع کردیم دستورالعمل‌های محکمی داشتیم.

به ذهنم خطور می‌کند که «فرانسیس مك‌دورمند» کسی است که کارش را خیلی جدی می‌گیرد. همین احساس را هم درباره کاراکترش در فیلم داریم.

بله. فکر می‌کنم بخش بزرگی از سایبدگی بین ما دو نفر همین باشد. فرانسیس و کاراکترش «میلدرد»، هردوی‌شان با هر نفری که می‌بینند، جنگ می‌کنند. فرانسیس اصلا دوست نداشت روی نقش تمرین داشته باشد. من کمی تمرین کردن می‌خواستم؛ ولی، او اصلا دوست نداشت. فرانسیس واقعا می‌خواست با همه پلیس‌ها جنگ کند و اصلا نمی‌خواست با آنها تمرین کند تا مبادا دوست شوند. الان که به رفتارش نگاه می‌کنم می‌بینم که منطقی بود. همه چیز در فیلم درست است.

منبع: دِدلاین

بوم

آغاز دومین نمایشگاه جواهرسازی هنری معاصر تهران

هنر باستانی در قالب مدرن

نمایشگاه جواهرسازی هنری معاصر تهران

وقایع‌اتفاقیه: دومین نمایشگاه جواهرسازی هنری معاصر تهران چهارم اسفندماه با آثاری از ۴۵ هنرمند در گالری آریا آغاز به کار کرد.

دومین نمایشگاه جواهرسازی هنری معاصر تهران را باید اتفاقی قابل‌توجه در عرصه هنر در روزهای پایانی سال دانست. نمایشگاهی که با ایده محور بودن جریانی را پی گرفته تا جواهرسازی را به‌عنوان هنری بینارشته‌ای وارد گفتمان‌های هنری کند.

از اواخر دهه ۱۹۵۰ و نیمه اول دهه ۱۹۶۰ بود که جریانات و رسانه‌های جدید هنری پا گرفتند و از آن زمان به بعد مقوله هنرهای بینارشته‌ای مطرح شد. اما از دهه ۱۹۸۰ بود که هنرهای بینارشته‌ای به جریان اصلی هنر تبدیل شدند. از این جنبه، دومین نمایشگاه جواهرسازی هنری معاصر تهران هم در تلاش است تا از این جریان هنری که ذیل هنر «معاصر» رده‌بندی می‌شود تبعیت کند و جواهرسازی را فراتر از امری تزیینی، امری مفهومی یا بیانگر تعریف کند.

«گالری آریا» که در افتتاحیه دومین نمایشگاه جواهرسازی هنری معاصر تهران یکی از شلوغ‌ترین روزهای خود را پشت سر گذاشت، آثاری را میزبانی می‌کند که موضوع بدن را به‌عنوان فضایی برای نمایش آثار هنری در نظر گرفته است. در این نمایشگاه که با موضوع «گسترش بدن» برپا شده، آثاری از رسانه‌های مختلف هنری همچون مجسمه‌سازی، نقاشی، طراحی صنعتی و حتی «پرفورمنس» در قالب جواهرسازی به نمایش درآمده است.

آنچه بیش از هر موضوعی در این نمایشگاه از سوی هنرمندان مدنظر قرار گرفته است موضوع ایده و گفتمانی است که اثر هنری روی بدن می‌تواند به مخاطب ارائه کند. متریال‌های گوناگونی همچون آینه، پارچه، چراغ‌های نوری و... برای بیان ایده‌های اجتماعی و فرهنگی در قالب جواهراتی کاربردی در زندگی روزمره از سوی هنرمندان این نمایشگاه ارائه شده است.

آریا شکوهی اقبال، مدیر گالری آریا درباره این رویداد می‌گوید: «سال اول فراخوان ما با استقبال خیلی زیادی مواجه شد اما امسال این استقبال باورنکردنی بود. حدود ۲۰۰ هنرمند آثار خود را برای ما ارسال کردند که در نهایت ۴۵ هنرمند توسط سه داور برای حضور در نمایشگاه انتخاب شدند. این نمایشگاه افتتاحیه بسیار شلوغی داشت و همه بازدیدکنندگان عقیده داشتند نمایشگاه خیلی جلوتر از دوره اول آن گام برداشته و آثار به نمایش درآمده بسیار درخشان هستند».

او با اشاره به حضور یك داور خارجی در هر دو دوره نمایشگاه گفت: « کوین موری، رییس انجمن جواهرات هنری، سردبیر مجله گارلند، استادیار دانشگاه هنر RMIT و پژوهشگر دانشگاه «ملبورن» استرالیا است و سال گذشته پس از برگزاری نخستین دوره نمایشگاه، تعدادی از هنرمندان این رویداد را برای حضور در یك نمایشگاه مهم که در «فلورانس» برگزار می‌شد، معرفی کرد و آثار آنها در نمایشگاه مورد توجه قرار گرفت. در کنار او آقایان ناصر گیو و روح‌الله شمسی‌زاده دیگر داوران این دوره محسوب می‌شوند».

گالری آریا در طول چند سال گذشته کوشیده تا علاوه بر فعالیت‌های گالری‌داری، در حوزه «کیوریت» نمایشگاه، آموزش هنر و برگزاری نشست‌های تخصصی و نمایشگاه‌های آرشیوی هم فعالیت کند و از این جنبه یکی از فعال‌ترین گالری‌ها در تهران است که علاوه‌بر فعالیت‌های اقتصادی هنر در حوزه نظری، پژوهشی و کیوریتوری نیز کار می‌کند.

در این نمایشگاه آثاری از: میثم احمدی، شارماق اسکندریان، سهیلا ایلدار، بهاره آرین، سمی آیین، مرضیه بهرامی، سوگل جمعدار، خورشید جولایی، لادن جوهری، سحر خدارحم، شیما خدام، فرزانه داوریان، پگاه داوود، فاطمه دولت‌آبادی، نجمه راد، زهرا رستمی، معصومه روستا ولدی، الهام سلیمان‌نژاد، یاس شریعت‌زاده، حسین شیری، نازنین صاحبی، آناهیتا عناصری، موژان فرآورده، فرناز فولادشکن، شقایق قلی‌خانی، شیرین کاظمی، حمیده کبیری، پریسا کریمیان‌پور، افسانه گنجی، رویا محمدقلی، مهسا مستقیمی، شیما مودتی، امیر نصیری، پریناز نورانی، نسرین وصالیان، مهسا خیرخواه، فروزان افروزی، زهرا ملك محمدی، فاطمه صالحی جشوقانی، شیدا الماسی، شیما الماسی، فرزانه قبادی، فاطمه الساعدی و مهناز سیداختیاری به تماشاست.

گفتنی است دومین نمایشگاه جواهرسازی هنری معاصر تهران تا ۱۸ اسفندماه در گالری آریا به نشانی خیابان ولی‌عصر، بالاتر از سه راه بهشتی، کوی زرین، پلاك ۱۰ برقرار است.

جدول ۵۵۸

سودوکو

۵			۱	۴			۲	
			۷		۵			۸
				۲		۳		
	۷	۶					۹	
۸		۱				۴		۲
	۹					۱	۳	
		۲		۵				
۶			۳		۱			
	۴			۶	۷			۱

حل سودوکو ۵۵۷

۷	۲	۵	۹	۸	۴	۶	۱	۳
۹	۴	۳	۱	۷	۶	۵	۸	۲
۶	۱	۸	۳	۲	۵	۹	۴	۷
۵	۸	۹	۷	۴	۳	۱	۲	۶
۱	۷	۲	۵	۶	۹	۴	۳	۸
۳	۶	۴	۸	۱	۲	۷	۹	۵
۴	۹	۶	۲	۳	۷	۸	۵	۱
۲	۵	۱	۶	۹	۸	۳	۷	۴
۸	۳	۷	۴	۵	۱	۲	۶	۹

کلمات متقاطع

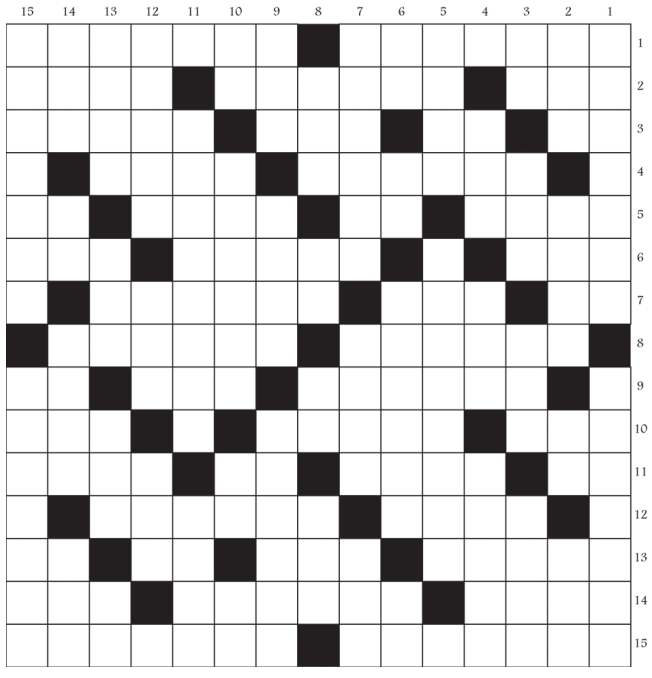

سوالات افقی:

۱- مینوت - ستون فقرات
۲- روزی - یاد گرفتن - شهر نشینی
۳- نام ترکی - برآمدگی ته لاستیك - آغوز - صدای بلند
۴- وسیله نوشتن - قتل سیاسی
۵- سخنور - سرای مهر و کین - زور و قدرت - صدمه و آسیب
۶- ضعیف و رنجور - دوست بی ریا و موافق - پیش و روبه‌رو
۷- نفس خسته - گندم کوبیده شده - آخرین نبرد ناپلئون
۸- ظرفیت - جوهر قهوه و چای
۹- مرکز استان اردبیل - از حروف یونانی - غذای ساده
۱۰- شمشیر - بی صدا - از سبزیجات خوردنی
۱۱- صفت عدد - بهتر از هیچی - رمق آخر - خوشحال شدن
۱۲- منزل و مسکن - زیبای افسانه‌ای یونان باستان
۱۳- ایراد - گردش و دوران - حرف تردید - با
۱۴- بندگاه میان ساعد و بازو - مراقب از بیمار- خدای بابلی
۱۵- قاتل گاندی - از اثرهای معروف سهراب سپهری

سوالات عمودی:

۱- نامی - گردنکشی کردن
۲- شهر بادگیرها - یك ششم - حرف توفیر - رب النوع زمین
۳- نیمه بدن - نیکوکار - محل تغذیه جنین- بانو
۴- رودی در روسیه - خشت پخته - خط ژاپنی
۵- دارنده - کارخانه اسلحه سازی
۶- دریای عرب - پیش شماره - مقدمه کتاب- عضو دونده
۷- کشوری در قاره آسیا - کیمیای جدید - خواب سبك
۸- محافظ گل - کجاست - می‌دهند تا رسوا کنند - پرستار
۹- چکش بزرگ - پارچه تبلیغاتی - آشنا و معروف
۱۰- سنگریزه - آتش انداز گلخن - واحد سطح- غذای بیمار
۱۱- مشمول - خوی و خلق
۱۲- مدیر بیمارستان - زمین دور از آب - جاسوسخانه آمریکایی
۱۳- نامی پسرانه - نهر - واهمه - همراه آشغال
۱۴- پسوند پاك کنندگی - سرخ کمرنگ - حقه و فریب - مادر ترك
۱۵- رشته کوهی در افغانستان - فیلمی از یدالله صمدی

حل جدول ۵۵۷